

عوارض ذاتیه و اشکالات چهارگانه

□ نادیا مفتونی

دانشجوی دکترای فلسفه و کلام

چکیده

عوارض ذاتیه از مباحث پیچیده گستره علم‌شناسی فلسفی - منطقی است. در این گفتار پس از مرور مفهوم عرضی ذاتی و همچنین ملاک تشخیص آن از دیدگاه حکمایی چون ارسطو، فارابی و ابن‌سینا، اشکالاتی را که در رابطه با عوارض ذاتیه بنظر می‌رسد، طرح می‌نماییم. در مجموع دو اشکال نسبت به مفهوم عوارض ذاتیه و دو اشکال نسبت به ملاکهای تمییز آن وارد خواهیم کرد.

یکی از اشکالات مفهومی مربوط به تعیین محدوده ذاتی مقوم است که حکما در راه حل آن گرفتار معضلی دور شده‌اند. اشکالات مربوط به ملاکهای تمییز را نیز با مثالهای نقضی از علم حساب و فلسفه نشان داده‌ایم.

کلید واژه

عوارض ذاتیه؛
واسطه اعم؛
واسطه مساوی؛
واسطه در حمل؛
واسطه اخص؛
تخصص.

مفهوم عرضی ذاتی

از میان گفته‌های ارسطو تعبیر زیر را که در کتاب برهان آمده، می‌توان بعنوان تعریف عوارض ذاتیه برگرفت: «واما گوهرینه (ذاتی)... خصیصه‌هایی هستند که به موضوعهایی تعلق دارند که خود در تعریفی که چیهستی این خصیصه‌ها را هویدا می‌سازد گنجانیده شده‌اند. برای نمونه، مستقیم به خط تعلق می‌گیرد و خمیده نیز بهمین سان»^۱. بر این اساس تعریف مشهور از عرضی ذاتی - یعنی «المحمول الذي يؤخذ في حده الموضوع» - برگرفته از بیان ارسطو است.

برخی شارحان ابن‌سینا مانند فخررازی برآنند وی در منطق شفا عوارض ذاتیه را بر مبنای قوم تعریف کرده است، اما در اشارات مفهومسازي جدیدی ارائه داده است و با ارجاع به سخنان بوعلی در الحکمة المشرفیة دلایلی بر این سخن اقامه می‌کنند. در مقابل برخی دیگر از شارحان نظیر خواجه طوسی معتقدند شیخ تحولی در مفهوم عرضی ذاتی ایجاد نکرده و صرفاً بیان خود را تغییر داده است. ما در مقاله قبلی نظر خود را در این زمینه شرح دادیم و بیان کردیم تعریفی که شیخ الرئیس در اشارات آورده، همان تعریف فارابی است و در این مورد با خواجه هم‌رأی هستیم.

ملاکهای عرضی ذاتی

در مقام تعیین مصادیق عرضی ذاتی و تمایز آن از عرضی غریب آگاهی از مفهوم کافی نیست و نیازمند ملاک هستیم. شیخ دو گونه ملاک در این باب ارائه داده است: واسطه در حمل و تخصص یافتن. ملاکهای مطرح شده صرفاً برای تمایز عرضی ذاتی از غریب است نه ذاتی مقوم. حمل اول و غیر اول و نیز تخصص یافتن و نیافتن در ذاتی مقوم نیز مطرح است همانطور که در عرضی ذاتی. شاید چون بین ذاتی مقوم و محمولات دیگر دچار تردید نمی‌شدند نیازی به طرح ملاک نمی‌دیدند. شیخ در منطق المشرفین اعراض ذاتیه را محمولاتی می‌داند که مقوم نباشند و بواسطه شیء اعم هم عارض نشده باشند.^۲ اگر بیان واسطه در حمل برای

۱. ارسطو، ارگانون، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۸ ه. ش، ۳۸ - ۴۰، ۷۳، ص ۴۳۴.
۲. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، منطق المشرفین، قاهره، ۱۹۱۰ م، ص ۲۸.

*** در مقام تعیین مصادیق عرضی ذاتی و تمایز آن از عرضی غریب آگاهی از مفهوم کافی نیست و نیازمند ملاک هستیم. شیخ دو گونه ملاک در این باب ارائه داده است: واسطه در حمل و تخصص یافتن.**

تمایز عرضی ذاتی از مقوم کفایت می‌کرد لازم نبود تصریح کند «محمولاتی که مقوم نباشند و...» فارابی بیان جامعی که مؤید سخن فوق است در شرح حمل اول و غیر اول ایراد نموده است.^۳ از مجموع سخنان شیخ در آثار گوناگون وی دو موضع قابل استنباط است:

۱. عرضی ذاتی حمل می‌شود بدون واسطه اعم؛
۲. عرضی ذاتی حمل می‌شود بدون واسطه اعم و اخص. اختلاف تعابیر نشان می‌دهد عرضی ذاتی ذومراتب است و حداقل دو مصداق دارد: عرضی ذاتی بیواسطه که آن را عرضی ذاتی اولی گویند و عرضی ذاتی باواسطه مساوی که آنرا عرضی ذاتی ثانوی نامیده‌اند. در میان متأخران، صدرالمآلهین عوارض ذاتیه را شامل محمولات باواسطه مساوی و بیواسطه می‌داند^۴ و علامه طباطبایی آنرا منحصر در محمولات بیواسطه نموده است.^۵

ملاک دیگری که ابن‌سینا برای تعیین مصادیق عوارض ذاتیه معرفی می‌کند اینستکه موضوع برای حمل عرضی ذاتی تخصص به خصوصیتی نیابد. مثلاً جسم برای آنکه متحرک و ساکن باشد لازم نیست حیوان یا انسان باشد.^۶ همچنین ذکورت و انوثة و یا حرکت ارادی برای حیوان که ذکورت و انوثة علی سبیل التقابل مساوی حیوان هستند و حرکت ارادی مطلقاً مساوی حیوان است. در همه اینها نیازی نیست قبل از عروض، موضوع به شیء دیگری تبدیل شود یا چیزی به آن ملحق گردد.^۷

ساختار منطقی مسائل علم در نسبت با موضوع علم قاعده «موضوع کل علم ما یبحث فیه عن عوارضه الذاتیه»، رابطه موضوع علم با مسائل آنرا اجمالاً بیان می‌کند؛ ولی تطبیق قاعده با همه مسائل علم خالی از صعوبت نیست. این مطلب را با مثال شرح می‌دهیم. مسائل زیر مربوط به علم هندسه است:

۱. هر مقدار یا مشترک است یا مابین؛
۲. هر مقدار که در نسبتی میانی باشد، محاط بین دو طرف است؛
۳. هر خطی قابل انقسام به دو نیم است؛
۴. هر خطی که عمود بر خط دیگر باشد دو زاویه قائمه می‌سازد؛
۵. هر مثلثی زوایایش دو قائمه است.

موضوع مسئله اول همان موضوع علم هندسه یعنی «مقدار» است؛ اما در مسائل بعدی چنین نیست. از طرفی طبق قاعده یادشده محمولات مسائل بدون شک از عوارض ذاتیه موضوع علمند. از طرف دیگر چون این مسائل برهانی هستند، محمولات آنها باید از عوارض ذاتیه موضوع مسئله هم باشد. لذا این پرسش مطرح است که میان موضوعات مسائل و موضوع علم چه نسبتی برقرار است؟ محمول مسئله هم با موضوع آن نسبتی دارد، یعنی عرض ذاتی آن است. پس این سؤال درباره ارتباط محمولات مسائل و موضوع علم نیز قابل طرح است.

پاسخ فارابی مفصلتر از دیگران است:

مفروضات^۸ در هر علمی یا انواع موضوع علمند یا انواع انواع موضوع علم یا اعراض ذاتیه موضوع علم یا اعراض ذاتیه انواع انواع موضوع علم و یا اعراض ذاتی اعراض ذاتی موضوع علم یا انواع اعراض ذاتی آن یا انواع انواع عرض ذاتی موضوع علم یا خود موضوع علم.^۹

همانطور که گفتیم در مسائل علوم برهانی محمول از عوارض ذاتیه موضوع مسئله و در عین حال بنا به تعریف، محمول مسئله از عوارض ذاتیه موضوع علم هم هست. و عرض ذاتی محمولی است که موضوع در حدش اخذ شده

۳. فارابی، ابونصر، المنطقیات، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، صص ۲۷۹ - ۲۷۵.
 ۴. الشیرازی، صدرالدین، الشواهد الربوبیه، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ ه. ق، ص ۱۹.
 ۵. الطباطبایی، سیدمحمدحسین، حاشیه الکفایه، ج ۱، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، بی تا، ص ۶.
 ۶. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، الشفا، المنطق، تقدیم ابراهیم مدکور، ج ۳، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، ص ۱۳۷.
 ۷. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، النجاة، تحقیق عبدالرحمن عمیره، ج ۱، بیروت، ۱۹۹۲ م، صص ۱۹۹ و ۱۹۸.
 ۸. فارابی موضوع مسئله را مفروض می‌نامد.
 ۹. المنطقیات، ج ۱، ص ۳۰۸.

ذاتیه را هم با توسل به موضوع علم تحدید کرده‌اند. باین ترتیب اولین اشکال عوارض ذاتیه ناتوانی آن در تمییز ذاتی مقوم بوده و دومین اشکال آن همین معضل دور می‌باشد. علاوه بر اینها ملاکهای عوارض ذاتیه نیز خالی از خلل نیست.

بررسی ملاکهای عرضی ذاتی

۱. عدد یا زوج است یا فرد؛

۲. چهار زوج است؛

۳. زوج قابل انقسام به دو عدد مساوی است.

دیدیم برای اینکه تعریف عرضی ذاتی بر محمولات مسائلی مانند مثال دو و سه صادق باشد باید آن را توسعه دهیم و حکما در تعیین محدوده این توسعه گرفتار دور شده‌اند. اما ملاک واسطه در حمل، که در گفتار پیش بیان شد، نیز در رابطه با برخی از این مسائل، با مشکل مواجه است.

همانطور که متذکر شدیم، نکته مفیدی در تشخیص حمل اولی و بیواسطه از بیانات فارابی بدست می‌آید و آن اینستکه محمول اولی بر امر اعم از موضوع بنحو کلی حمل نمی‌شود، درحالیکه محمول غیر اول بر امر اعم، بصورت کلی حمل می‌شود. با توجه به این ملاک، زوجیت بدون واسطه بر چهار حمل نمی‌شود. قابلیت انقسام، هم بیواسطه بر زوج حمل نمی‌شود. زیرا عدد، از چهار و زوج است. شیخ این ملاک فارابی را قبول دارد و در براهین فلسفی بکار می‌بندد.^{۱۵}

به نظر می‌رسد ملاک تخصص هم در این قبیل مسائل قابل مناقشه باشد. زوج از عوارض ذاتی عدد محسوب می‌شود، اما عدد برای زوج بودن باید خاص شود و دو یا چهار یا شش یا... باشد. عدد بصورت مبهم نه زوج است و نه فرد. در مسائل فلسفی هم این ملاک قابل بحث است که در خاتمه گفتار به آن پرداخته‌ایم.

باشد؛ ولی در بسیاری از مسائل برهانی، موضوع، در حد محمول اخذ نشده است. برای آنکه تعریف عرض ذاتی شامل چنین محمولهایی بشود در مفهومسازی آن توسعه داده‌اند. این توسعه با شعاعهای متفاوتی صورت گرفته است، گاهی مختصرتر و گاهی مفصلتر. بیان شیخ در شفا چنین است: ^{۱۱} موضوع مسئله یا داخل در جمله موضوع علم است یا داخل در جمله اعراض ذاتی موضوع علم. در حالت اول یا خود موضوع علم است یا نوعی از موضوع علم و در حالت دوم یا عرض ذاتی انواع موضوع علم یا عرض ذاتی موضوع علم یا عرض ذاتی نوع عرض ذاتی موضوع علم.

شعاع توسعه مفهومی عرضی ذاتی

بیان شیخ در دانشنامه علایی^{۱۱} و نجات^{۱۲} مشتمل بر پنج قسم از این شش مورد است. در این دو کتاب «عرض ذاتی عرض ذات موضوع علم» را نیاورده است و دیدیم که فارابی نه قسم ذکر می‌کند. وی چهار مورد انواع انواع موضوع علم، اعراض ذاتی انواع انواع موضوع علم، انواع اعراض ذاتی موضوع علم، انواع انواع اعراض ذاتی موضوع علم را علاوه بر این سینا و یک مورد اعراض ذاتی انواع اعراض ذاتی موضوع علم را کمتر دارد. اما شیخ پاسخی ارائه می‌دهد که با توجه به آن می‌توان این اقسام را در محدوده‌ای مجاز گسترش داد. در برهان شفا می‌گوید:

اگر محمول خارج از موضوع مسئله باشد و خارج از موضوع علم نباشد، دراینصورت موضوع مسئله در حدش اخذ نمی‌شود بلکه جنس یا موضوع آن و امری اعم از آن (موضوع مسئله) در حدش اخذ می‌شود. ولی ناچاریم درنهایت موضوع علم را در حد آن (محمول) اخذ کنیم.^{۱۳} خواجه هم در شرح اشارات اظهار می‌دارد در تعریف عرضی ذاتی کافی است بگوییم «ما یؤخذ موضوع العلم فی حدّه».^{۱۴}

اگر توجه داشته باشیم که موضوع علم در حد محمول مسئله ذکر شود، موضوع مسئله محدودیتی ندارد. لذا گاهی اقسام آن مفصلتر بیان می‌شود و گاهی مختصرتر. اما بهر حال این پاسخ که از موضوع علم خارج نشویم، گرفتار مشکل دور است، زیرا حکما موضوع علم را بمدد مفهوم عوارض ذاتیه تعریف نموده‌اند و در اینجا مفهوم عوارض

۱۰. الشفا، المنطق، ج ۳، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۱۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، دانشنامه علایی، تصحیح محمد معینی، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۳ ه. ش، ص ۵۷ و ۵۸.

۱۲. النجاة، ص ۸۹. ۱۳. الشفا، المنطق، ج ۳، ص ۷۴.

۱۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات والتنبیها، شرح نصیر الدین طوسی، ج ۱، قم، نشر البلاغ، ۱۳۷۵ ه. ش، ص ۶۰.

۱۵. إذا كان معنیان أحدهما أعم من الآخر و بحمل عل مفهومیهما معنی، فإن ذلك المعنی للأعم بذاته أولاً، وللأخص بعده ثانياً، لأن ذلك المعنی لا یلحق الأخص إلا وقد لحق الأعم من غیر عكس، الاشارات والتنبیها، ج ۳، ص ۷۶.

*** عرضی ذاتی ذومراتب است و حداقل دو مصداق دارد: عرضی ذاتی بیواسطه که آن را عرضی ذاتی اولی گویند و عرضی ذاتی باواسطه مساوی که آنرا عرضی ذاتی ثانوی نامیده‌اند. در میان متأخران، صدرالمتألهین عوارض ذاتیه را شامل محمولات باواسطه مساوی و بیواسطه می‌داند.**

طرح یک شبهه

توسعه مفهوم عرضی ذاتی برای برخی این اشکال را طرح کرده که هر قضیه‌ای را میتوان بعنوان مسئله برهانی تلقی کرد. حداقل مورد نقض، قضایای مخصوصه‌ای است که جنس موضوع آنها در حد محمول اخذ می‌شود. در این قبیل قضایا تعریف عرضی ذاتی صادق است ولی برهانی نیستند؛ چون مسائل علم منحصر در قضایای کلیتند. در پاسخ گفته‌اند شرط این تعمیم آنستکه مسئله از علم مورد نظر خارج نباشد.^{۱۶}

همانطور که اشاره نمودیم، به نظر ما این جواب دوری است؛ زیرا ملاک اینکه مسئله‌ای متعلق به علم معین باشد همین است که از عوارض ذاتیه موضوع علم بحث کند. شیخ برای اینکه هر قضیه‌ای مسئله برهانی محسوب نشود ملاک ارائه داده و گفته نهایتاً باید موضوع علم در حد محمولات اخذ شود. ما دوری بودن این ملاک را هم توضیح دادیم. اما درباره قضایای شخصی می‌توان گفت کلی باب برهان بمعنای کلیت در صدق است نه سورکلی.

لذا قضایایی با سور شخصی که کلیت در صدق دارند در برهان بکار می‌روند و مورد نقض محسوب نمی‌شوند.

در مجموع طبق بررسیهای که در طول این مقاله ارائه شد، عوارض ذاتی با دو مشکل از ناحیه مفهوم و نیز دو مشکل از حیث ملاک، روبروست. نخستین گره مفهومی آن اینستکه قادر به تفکیک ذاتی مقوم نیست و دوم اینکه گرفتار دور است و با موضوع علم بر یک دایره قرار دارد. درباره ملاک حمل نشان دادیم آنچه عرضی ذاتی و حمل اولی تلقی می‌شود، در برخی موارد بواسطه امر اعم حمل می‌شود. در مورد ملاک تخصص نیز مثال نقضی از علم حساب آوردیم. در فلسفه هم تخصص نمی‌تواند مبنایی برای تعیین موضوع باشد؛ زیرا گاهی خود وابسته به

مبنای فیلسوف است. بعنوان مثال اگر بپرسیم موجود برای آنکه علت یا معلول باشد آیا نیاز به تخصص دارد یا نه، قائلین به اصالت وجود که علت را بیواسطه به وجود مستند می‌سازند، پاسخ منفی می‌دهند. درحالیکه طرفداران اصالت ماهیت که تأثیر و علت را مستند به ماهیت می‌دانند موضع مخالف اتخاذ می‌نمایند. برخی حکما، شاید بدلیل دشواریها و ناکامیهای این شیوه، فلسفه را بنحو قراردادی با مجموعه مسائل آن تعریف کرده‌اند. بویژه در میان حکمای منتقدان، فارابی درعین حال که بر قواعد منطقی مسلط است لکن هم در احصاء العلوم و هم در المنطقیات این راه را برگزیده و فلسفه را به مسائل تعریف نموده است. در احصاء العلوم در معرفی علم الهی می‌گوید:

تمامی این علم در کتاب مابعدالطبیعه آمده است. علم الهی به سه بخش تقسیم می‌شود. اول: در این بخش، از موجودات و چیزهایی که بر موجودات - تنها از آن جهت که موجود هستند - عارض می‌شوند، بحث می‌شود. دوم: در این بخش، از مبادی برهانها در علوم نظری جزئی سخن گفته می‌شود. سوم: این بخش از موجوداتی که جسمیت ندارند و در اجسام نیستند بحث می‌کند، یعنی اول می‌پرسد که آیا اینگونه چیزها موجود هستند یا نه؟ آنگاه با برهان ثابت می‌کند که موجود هستند، سپس به بررسی می‌پردازد که آیا تعدادشان بسیار است یا نه؟ پس ثابت می‌کند که بسیارند. آنگاه...^{۱۷}

و تعریف المنطقیات از این قرار است:

علم الهی شامل بحث درباره چیزهایی است که جسم نیستند و در جسم نیستند و نیز مشتمل بر بحث در مورد اسباب قصوای همه آنچه علوم دیگر از آن سخن می‌گویند.^{۱۸}

* * *

۱۶. خواجه طوسی، شرح اشارات، ص ۶۰؛ الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، تحقیق محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۲۳ هـ. ق، ص ۳۲۲.

۱۷. فارابی، ابونصر، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ هـ. ش. ص ۱۰۲ - ۱۰۵.

۱۸. المنطقیات، ج ۱، ص ۱۴.